

یادداشت خبرنگاران خانه مطبوعات خانه البرز
پس از بازدید از توس

توس آفتابی تاریخ خاکستری



توس زیبا، آنجا که هخامنشیان «سوسیا» (Susia) نامیدند و پایتختی از ایالت پارت در شمال شرقی ایران، منطبق بر خراسان امروز است؛ عصر دوشنبه، حضور ما را مهمان بود.

بیش از چهل خبرنگار از جوان ترین، تایپرترین مرد رسانه ایران در یک صف.

اردویی فرهنگی تاریخی که ذهن سیال خبرنگاران البرز را به خراسان برد، پابوس بزرگی و حجب فردوسی پاکزاد که سسی سال رنج برد تا گنج ادب فارسی به نسلی برسد که از پارس تا فارس، ایران نمی شناسد و تاریخ نمی داند و فرهنگ و ادب را بر نمی تابد.

پی افکنند از نظم کاخی بلند که از باد و باران ندیده است گزند که آرامگاه شاعران خراسان و مهدی اخوان ثالث، جواهرات قیمتی ادب فارسی را نیز گرد خود آورده است.

بخت یار بود، در زادروز او که بزرگترین نیایش راسر بلندی و پایندگی مام میهن می داند، بر مزارش بودیم.

به روایتی دوم بهمن؛ پروردگار مهربان، ابوالقاسم فردوسی را چون گلی بر مرغزار ولایت خراسان نشاند. حضور راهنمایان فرهیخته و ادیب، همکاران خوب روزنامه شهرآرا، در همراهی تیم رسانه البرز، فرصت مغتنمی بود تا از زاویه ای دیگر به سفر امروز بنگریم. دانسته هایمان افزون شود و رنج سفر هموار. از دروازه «رزان» گذشتیم در حالی که هرگز نمی دانستیم همنام دروازه ای که پنم. از بنای هارونیه، مسجد-مدرسه توس دوره سلجوقی هم گذر کردیم. گرد و خاک تاریخ خاکستری این ولایت ستم زده را به گفتار راهنمایان کنار زدیم و دریغ شهری خفته در دل ماند. که دروازه های «کهندژ» بسته بود و به سبب کاوش های نو، هنوز امکان بازدید فراهم نبود.

جغرافی نگاران عرب، گواهی داده اند که شهر توس، آنگاه که نیشابور چشم و چراغ خراسان و مترقی بود، اهمیت در خوری نداشت. دست ناپاک «تولوی» پسر چنگیز خان، قلب توس را نیز از سینه بیرون کشید.

اوغدی (اوکتای) اما؛ عمارتش نمود و باز آسمان تاریخ خاکستری شد و بارها و بارها سیلی ستم بر گونه این کهن شهر نواخت.

مغول های ایران که سرنگون شدند، توس با قوچان و کلات، ابیورد و نسا، واحه مرو؛ بخشی از قلمرو دولت کوچک امیر ارغون شاه شد.

قصه فراز و فرود این ولایت، بس طولانی و تلخ است. شهری خفته زیر پای توس، با شناسنامه سلجوقی، در انتخابی سخت میان برآمدن و تابیدن یا پنهان ماندن از چشم دزدان میراث در تب و تاب است.

بنای هارونیه و مسجد-مدرسه کاویده در آن، خود؛ «تاشی نورانی» از گذشته هنر معماری این بلاد است.

هنوز ذهن بر آشفته ام از غم حمله مغول بر پیکره ایران زمین، چون پرده تاری، مانع از لذت دیدار این همه شکوه معماری است.



آبگوشتی که طعم آن شاید تا

سال های سال زیر زبان ما بماند

چندین بار سعادتی این را داشتیم که میهمان آقا امام رضا (ع) باشیم و این بار به لطف خانه مطبوعات استان البرز به همراه همسرم عازم مشهد مقدس شدیم.

سفری که با شادی و تولد همسرم آغاز شد و با میزبانی خوب مردم مشهد ادامه پیدا کرد، مردمی که آدرس غلط به کسی نمی دادند و بر خورد خوششان نشان از مهمان نوازی مشهدی هابود.

روز آخر میهمان شهرداری منطقه ۱۲ بودیم، میزبانی وصف نشدنی و گشت و گذار در محل هایی که آرامش درون آن ها غیر قابل توصیف است و زور خانه ای که در دیوار آن بوی پهلوانی می داد و آبگوشتی که شاید تا آخر عمر دیگر نتوانم به این طعم و سادگی بخورم.

دانیال ایل بیگی



توس سند قدمت تاریخی

پایتخت فرهنگی جهان

اسلام، مشهد

سفر ۷۲ ساعته جمعی از خبرنگاران استان البرز به استان خراسان رضوی و شهرستان مشهد مثل تمام سفرهای قبلی به این شهر باعث سبکی خاطر و روان همه می شود که دلیل آن فقط زیارت امام رئوف، حضرت علی بن موسی الرضا (ع) است. اما این بار که من با گروه همراه شدم در برنامه های مختلفی که خانه مطبوعات البرز پیش بینی کرده بود، بازدید از توس و آرامگاه حکیم زبان فارسی ابوالقاسم فردوسی بود که با همراهی یکی از بهترین های کادر رسانه ای روزنامه شهرآرا رضا سلیمان نوری تکمیل شد. احساس غرور ملی وقتی به من دست داد که قدم در این آرامگاه گذاشتم؛ غیر ممکن است این احساس غرور را هیچ وقت فراموش کنم و برای همیشه این بازدید را برای خود تجدید خاطره خواهم کرد. توس از نظر تاریخی با داشتن چنین سند ملی ای پتانسیل بالایی برای رشد و باز شدن دارد که کار و همت بیشتر مسئولان رami طلبد تپیشینه تاریخی و ادبی این مرز و بوم را حفظ کنیم.

امضا: یزدان سلیمانی و فاطمه چراغی اقدم

نوزخ خبری استان البرز

رضا سلیمان نوری روحمان پر کشید به سوی پهلوانان سرزمین کهن پاری و ضیافتی دلنشین در فضایی آکنده از عطر جوانمردی.

اعضای خانه مطبوعات البرز در لایه لای این روز خاطره انگیز از آرامگاه شاعران خراسان، آرامگاه فردوسی، مقبره مهدی اخوان ثالث، هارونیه، موزه آیین های پهلوانی شه لافتی و... بازدید نمودند. و آرزویی از صمیم قلب برای اعتلای فرهنگ ایرانی و حفظ میراث جاودان ایران زمین

سمیه بوربور

سرپرست خبرگزاری پانا البرز



میراث داری غصه نداری

بال سعادت گشوده شد و همتی بارید تا این بار سفر زیارتی امام رئوف، ضامن آهو با خانه مطبوعات البرز به چاشنی بازدید مکان های فرهنگی شهرستان مشهد از زبان شیوای راهنمایی دلسوز، نیمروز سفرمان را به رنگ میراث و فرهنگ، آغشته و موسیقی یادمان پدران این مرز و بوم را در اعماق وجودمان نوازد.

بازدید از آرامگاه فردوسی، آرامگاه شاعران خراسان، هارونیه، مسجد-مدرسه طوس، کهندژ و موزه آیین های پهلوانی شه لافتی راه توشه سفرمان بود.

دوم بهمن ۹۶ بی گمان برای من و بی شماری دیگر، سعادت بود که بر مقبره پر صلابت فردوسی، زادروزش را پاس داریم و به یاد آریم که خرد و اندیشه، میراث به جا مانده ای است که باید زنده داریمش، فرد فرودتک تکرمان.

اما مأمنی که باید ماؤای هویت این مرز و بوم باشد و محتوای تاریخی را باز نشر دهد، برای اکتشاف، کمبود بوده دارد. درد را باید در یابیم و نوشدارو قبل از مرگ را مرهم زخم های فرهنگ و میراث، بر تارک روزگارمان بیاریم تا دیر نشده.

ملیحه مومنین

مدیر مسئول مجله یکی یک دونه

تاریخ اعجوبه ای هزار داماد و غریب است. نمی دانم از شر چه شد پیکره وطنم مویه کنم یا از غم آوارگی مردم کشورم موی پریشان. که پریشانی احوال فرهنگ، خود روضه ای دیگر است.

موزه پهلوانی در ولایت چهار برج، داستانی متفاوت بود. ره آورد ۴۵ سال سفر از سراسر دنیا، هزاران تکه تاریخ پهلوانی با داستان شیرین اقوام و مشاغل. داستان هایی از تاریخ ورزشکارانی پوریا منشن. گودی به بلندای آسمان و نوای خوش مرشد پهلوان؛ چهره بین المللی ورزش باستانی. ناهار سنتی را در جمعی دوستانه و فضایی متفاوت از زندگی ماشینی زده؛ در زور خانه «شه لافتی» خوردیم.

تکان های قطار و موسیقی خوش ریل هایی در دل شب، حدیث مفصلی است از پایان خوش سفر که به لطف دوستان شهرآرا، جناب سلیمان نوری و بانو سیدی مسئول شهرآرا محله منطقه ۱۲ و جناب گلستان ماندنی تر شد.

فریبا کلاهی (رزان)

مدیر مسئول پایگاه خبری آیین باور



سفری از جنس معنویت با طعم

شعر پارسی

سفر آموزشی، زیارتی و سیاحتی اهالی خانه مطبوعات البرز به استان خراسان رضوی هم به پایان رسید.

در روز آخر این سفر معنوی و به همت خانه مطبوعات البرز، جمعی از اهالی رسانه بار سفر بستند و راهی شهر شعر پارسی شدند. و چهلذتی از این بالاتر که اهالی قلم با توسل به امام مهربانی ها به دیار شعر پارسی قدم گذارند.

در این سفر شاهد نشستن غباری بر چهره شهر بودیم، غباری از جنس کم توجهی اهالی فرهنگ بر شهر شعر پارسی و به لطف کارشناس دلسوز،

